

بسم الله الرحمن الرحيم

چهار گفتار

درباره کرجی های ایران در دوره صفوی

تألیف:

هیروتاکه مائدا

ترجمه:

دکتر حمید اسدپور

(عضو هیات علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر)

و

دکتر مسعود ولی عرب

(دبیر تاریخ آموزش و پرورش خوزستان)

سرشناسه: مایدا، هیروتاکه، ۱۹۷۱ - م. Maeda, Hirotake

عنوان و نام پدیدآور: چهار گفتار درباره‌ی گرجی‌های ایران در دوره‌ی صفوی / تألیف هیروتاکه مایدا؛ ترجمه حمید اسدپور، مسعود ولی عرب.

مشخصات نشر: قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۴۲ ص:؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

شابک: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸: ۶۰۰-۳۱۴-۸۸۲-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه مقالاتی با عناوین "The ethno - social background of four Gholam families from Georgia ib

"Safavid Iran و "Slave elites who returned home: Georgian vah-king rostom and the Safavid household

"empire" و "Iran and the world in the Safavid age" در خصوص تاریخ گرجیان در عصر صفوی ست.

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان "چهار دودمان گرجی در عصر صفوی" با ترجمه مصطفی نامداری منفرد توسط انتشارات تمثال در سال ۱۳۹۶

منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: چهار دودمان گرجی در عصر صفوی.

موضوع: گرجی‌ها -- ایران -- تاریخ -- History (South Caucasians) -- Iran

شناسه افزوده: اسدپور، حمید، ۱۳۴۳ -، مترجم

شناسه افزوده: Asadpour, Hamid

شناسه افزوده: ولی عرب، مسعود، ۱۳۶۷ -، مترجم

شناسه افزوده: Wali Arab, Masoud

رده بندی کنگره: DSR۲۲

رده بندی دیویی: ۹۸۵۷/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۶۰۶۹۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

- نام کتاب: چهار گفتار درباره‌ی گرجی‌های ایران در دوره‌ی صفوی
- نویسنده: هیروتاکه مایدا
- مترجمین: دکتر حمید اسدپور، دکتر مسعود ولی عرب
- تصویرگران: آقایان مهرداد میثاقی، امیرعباسپور، احمد خیرالله نژاد
- ناشر: میراث ماندگار
- نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱
- چاپخانه: وفا
- شمارگان: ۵۰۰
- قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ تومان
- شابک: ۶-۸۸۲-۳۱۴-۶۰۰-۹۷۸

تلفن مرکز پخش: ۰۲۵۳۷۸۴۲۳۹۸

فهرست

۵	پیشگفتار.....
۵	سلسله‌های صفویه، افشاریه و زندیه.....
۲۵	سخن پایانی این بخش.....
۲۷	گفتار نخست.....
۲۷	چکیده.....
۲۸	مقدمه.....
۳۱	تبعید پارسادان گرگیانیدزه به شوشتر.....
۳۳	واخوشتی خان، حاکم شوشتر.....
۳۵	واختانگ پنجم (شاهنواز اول) و کاپلان (قاپلان) باراناشویلی - اوریشویلی.....
۳۷	پارسادان و سیاهت‌های گرجستان.....
۳۹	سخن پایانی.....
۴۴	گفتار دوم.....
۴۴	مقدمه.....
۴۶	قفقاز: مکانی شامل انواع تحولات.....
۴۸	یافتن جلد سوم کتاب افضل التواریخ.....
۴۹	قفقازیان و سرزمین قفقاز در اوایل سلطنت "شاه عباس اول".....
۵۱	دو داروغه گرجی اصفهان.....
۵۳	مثال دیگری از یک غلام گرجی رده بالا.....
۵۵	نبردهای گرجی شاه عباس اول: بازسازی و ایجاد دوباره نظم منطقه‌ای.....
۵۷	ادغام و جذب نخبگان محلی: ازدواج به عنوان یک ابزار سیاسی.....
۵۹	مهاجرت اجباری و جامعه مهاجران.....
۶۳	بعد از پیروزی: تقویت و پیشرفت غلامان نژاد اصیل کارتلی.....
۶۵	نخبگان در حال تغییر و تحول: دامادهای امام قلی خان.....
۶۷	اصفهان و فرخ آباد: شریان‌های اصلی امپراطوری.....

۶۹	ازدواج سیمون دوم با نوه دختری شاه.....
۷۲	سخن پایانی.....
۷۶	یادداشت‌ها.....
۸۵	گفتار سوم.....
۸۵	یاران نزدیک الله وردی خان:.....
۸۵	۱- چکیده.....
۸۶	۲- مقدمه.....
۸۹	۳- زندگانی الله وردی خان.....
۹۵	۴- پاسداران الله وردی خان.....
۹۶	۵- میکائیل بیگ.....
۹۸	۶- بیگ وردی بیگ.....
۱۰۱	۷- تیمور بیگ.....
۱۰۳	۸- ابوالقاسم بیگ و مظفر بیگ.....
۱۰۵	۹- سخن پایانی.....
۱۰۸	منابع و مأخذ.....
۱۱۱	گفتار چهارم.....
۱۱۱	مقدمه.....
۱۱۳	تأثیرات و پیامدهای مهاجرت اجباری.....
۱۱۷	مهاجرت و جابجا نمودن عناصر قبیله‌ای.....
۱۲۰	سنجش حاکمان از طریق میزان وفاداری آنها.....
۱۲۳	ایجاد قبایل تازه تاسیس یا جابجایی‌های جدید.....
۱۳۰	یک تغییر سیاسی در سال ۱۶۱۴ میلادی.....
۱۳۴	توجه و مساعدت سلطنتی.....
۱۳۷	سخن پایانی.....

پیشگفتار

سلسله‌های صفویه، افشاریه و زندیه^۱

از شروع به کار مطالعات غربی در پرداختن به سلسله‌ها و اتفاقات صورت گرفته در ایران در سال‌های بین ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰م زمان چندانی نمی‌گذرد. مطالعات انجام شده از سال ۱۹۷۰م. تاکنون، تنها به چندین کتاب در مورد اوضاع ایران در عصر صفوی و چهره‌های شاخص این دوره مانند مطالعه صورت گرفته توسط لوسین-لوئیس بلان درباره شاه عباس اول، کتاب والتر هینز^۲ در مورد ظهور صفویان در قرن پانزدهم، کتاب غلام سرور^۳ در مورد شاه اسماعیل اول، ویرایش و تفسیر نوشته شده توسط ولادیمیر مینورسکی^۴ در مورد کتاب تذکره الملوک، کتاب لورنس لاکهارت^۵ در مورد سقوط سلسله صفویه، و کتاب کلاوس مایکل رووربورن^۶ در مورد سیستم حکومتی صفویه محدود می‌شوند. ۱. چندین رساله دکتری پرمحتوا که اکثر آن‌ها هرگز به

۱ - این مقاله، ترجمه‌ای از مقاله رودی متی نویسنده و استاد دانشگاه امریکایی می‌باشد که توسط مترجمان به عنوان پیشگفتار این کتاب استفاده شده است.

۲- Walther Hinz

۳- Ghulam Sarwar

۴- Vladimir Minorsky

۵- Laurence Lockhart

۶- Klaus Rohrborn's

صورت کتاب منتشر نشده‌اند نیز در لیست مطالعات صورت گرفته درباره آن دوره جای می‌گیرند ۲. این روند همچنان ادامه داشته به طوری که حتی وقایع رخ داده شده از زمان سقوط اصفهان در سال ۱۷۲۲م. تا ظهور قاجارها در اواخر قرن نوزدهم بسیار کم مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، که به عنوان مثال می‌توان به مطالعات صورت گرفته توسط لاکهارت^۱، آرونووا^۲ و اشرفیان در مورد نادرشاه و همچنین پایان نامه مهدی روشن ضمیر در مورد سلسله زندیه اشاره نمود.

به ترتیب زمانی مراجعه کنید به:

لوسین لوسن بلان، شاه عباس اول،^۳ (پاریس، ۱۹۳۲)؛ والتر هینز،^۴ (برلین و لایپزیگ، ۱۹۳۶م.)؛ ولادیمیر مینورسکی، ویرایش و ترجمه، تذکره الملوک: کتابچه حکومت صفوی (کمبریج، ۱۹۴۳م.)؛ لورنس لاکهارت، سقوط سلسله صفوی و اشغال ایران توسط افغان‌ها (کمبریج، ۱۹۵۸)؛ کلاوس مایکل روهریورن، (برلین، ۱۹۶۶م.)^۵. مطالعه ای که اخیراً در هندوستان توسط غلام سرور صورت پذیرفته، تاریخ شاه اسماعیل صفوی (الیگار، ۱۹۳۹م.) مطالعات صورت گرفته به ترتیب زمانی عبارت‌اند از: ک. بیانی، (پاریس، ۱۹۳۷م.)؛ هانس ر. رومر،^۶ (وییزبورگ، ۱۹۳۹م.)؛ م.ب. دیکسون، شاه طهماسب و ازبک‌ها (دوئل برای خراسان با عبیدالله خان: ۹۳۰-۹۴۶ه.ق / ۱۵۲۴-۱۵۴۰م. (رساله دکتری، پرینستون، دانشگاه، ۱۹۵۸م.)؛ هلموت برون، *Das Erbe* شاه عباس اول.^۸ (دیس. فیل، دانشگاه هامبورگ، ۱۹۶۷)؛ پل لوفت، ایران تحت حاکمیت شاه

۱- Lockhart

۲- Arunova

۳- sa vie, son histoire

۴- Iranans Aufstieg zum Nationalstaat im fünfzehnten Jahrhundert

۵- Provinzen und Zentralgewalt Persiens im ۱۶. und ۱۷. Jahrhundert

۶- *Les relations de l'Iran avec l'Europe occidentale à l'époque Safavide*

۷- Der Niedergang Irans nach dem Tode Isma'cils des Grausamen، ۱۵۷۷-۱۵۷۷

۸- *Iran und seine Könige 1629-1694*

عباس دوم (۱۶۶۶-۱۶۹۲) دیس. فیل، دانشگاه گاتینگن، (۱۹۶۸)؛ جان امرسون، Ex Oriente Lux: برخی منابع اروپایی درباره ساختار اقتصادی ایران در حدود سالهای ۱۶۳۰م. و ۱۶۹۰م. (رساله دکتری، دانشگاه آکسفورد، ۱۹۶۹م.). ر.و. فریر، روابط انگلیس و ایران در قرن ۱۷ هم (رساله دکتری، دانشگاه کمبریج، ۱۹۷۰م.)؛ و اریکا گلشن^۱ (فراپبورگ، ۱۹۷۰م.). ل. لاکهارت، نادرشاه: یک مطالعه انتقادی که عمدتاً بر روی منابع معاصر انجام شده است (لندن، ۱۹۳۸م.). م. ر. ارونووا و ک. ز. اشرفیان،^۲ (مسکو، ۱۹۵۱م.)؛ مهدی روشن ضمیر، سقوط سلسله زندیه (هامبورگ، ۱۹۷۰م.).

در ۲۵ سال اخیر، محققان کوشیده‌اند تا گام‌های مهمی را در جهت افزودن اطلاعات مهم به دانش موجود در مورد تاریخ ایران در اوایل دوران مدرن و به ویژه در مورد دوران حکومت صفویان بردارند.

دانشنامه ایرانیکا (EIr) از زمان آغاز به کار خود در سال ۱۹۸۲م.، در بخش مرتبط با دوره صفویان، درمیانه شروع فرایند نگارش این دانشنامه، به این موضوع اشاره نموده است. در حقیقت، مدخل‌های مربوط به دوران‌های صفویه، افشاریه و زندیه در ایران خود بخشی از فرایند حرکت رو به جلو قلمداد می‌شوند، به طوری که پس از هفت جلد، صفحات این تلاش جمعی، تمامی اطلاعات موجود قبل از خود در مورد دوره صفویه و در درجه ای کمتر، دوره‌های افشاریه و زندیه را در بر می‌گیرد. از میان بیش از ۳۵۰۰ مدخل مرتبط با این دوره‌ها، ممکن است تنها چهل مدخل بی اهمیت وجود داشته باشد که چشمگیر به نظر نرسند. با این حال، این مدخل‌ها شامل تالیفات با موضوعات مرتبط با دین و هنر نمی‌باشند. علاوه بر این، هنگامی که به مباحث معاصر در مورد عثمانی و مغول برخورد می‌کنیم، این تصویر به طرز چشمگیری تغییر می‌کند، به ویژه اینکه اگر مقاله‌هایی را در نظر بگیریم که شامل بخش‌های مهمی

۱- Die frühen Safawiden nach QazT Ahmad QumI

۲- Gosudarstvo Nadir- Shakhha Afshara: Ocherki obshchestvennykh otnoshenii v Irane ۳۰—۴۰-k godov XVIII veka

درباره دوران مدرن اولیه مانند فرمانروایان، روابط انگلستان-ایران، روابط ارمنستان و ایران، روابط ارمنستان و ایران در دوره اسلامی، ارتش، دربارین، روابط چین و ایران، پوشاک، قهوه، قهوه خانه‌ها، تجارت، سکه و ضرب سکه، امتیازات و قوانین درباری، قوانین اخراج از کشور تعزیرات و روابط هلند و ایران باشند.

انتشار اخیر دو جلد کتاب درباره تاریخ صفوی که در هر دوی آن‌ها نتایج کنفرانس‌های بین المللی در مورد دوران حکومت صفویان آمده است، شاهی بر این تحول می‌باشد. به ژان کالمارد^۱، (پاریس / تهران، ۱۹۹۳ م.)، و چارلز ملویل، صفویه در ایران: تاریخ و سیاست یک جامعه اسلامی مراجعه کنید (لندن، ۱۹۹۶ م.).

تاریخ صفویه از زمان آغازین خود، تنها بر مضامین محدودی که حتی تا به امروز نیز بر این حوزه مسلط بوده‌اند، متمرکز بوده است. در بین این حوزه‌ها، تاریخ سیاسی بالاترین رده را به خود اختصاص می‌دهد که در قالب تاریخ وقایع توسط اکثر محققان انگلیسی، و در مقوله مؤسسات و تاریخ نگاری، توسط محققان آلمانی مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. هر دو این‌ها بیشتر به تحقیق در مورد دولت مرکزی پرداخته و بر روند تأسیس حکومت‌ها تمرکز نموده‌اند و آن را به عنوان فرآیندی معادل یا حتی متقابل با تحولات صورت گرفته در دوران اولیه غرب مدرن و نه به عنوان معلولی از ترکیب ایران پیش از اسلام، ایران اسلامی و آسیای مرکزی - دوران مغول و تیموری قلمداد نمایند. کتاب ظهور ایران به عنوان یک دولت یکپارچه در قرن پانزدهم^۲ که در آلمان در دهه ۱۹۳۰ م. توسط هینز^۳ نوشته شده است، الگوی روشنی را در این زمینه نشان داده است.

همچنین با ظهور یک حکومت یکپارچه به عنوان یک ساختار انتزاعی، پس از سلطنت شاه عباس اول (متوفای ۱۰۳۸ ه.ق/ ۱۶۲۹ م.)، محققان بیشتر به بررسی مقوله افول و سقوط موقعیت حاکمیت و دولتمردان پرداخته‌اند. از دیدگاه آن‌ها افول

۱- Etudes safavides

۲- Irans Aufstieg zum Nationalstaat im funfzehnten Jahrhundert

۳- Hinz

به مقوله از هم گسیختگی نهادها- که هیچگاه به درستی در ابتدای کار به وقوع نمی‌پیوندد- مرتبط نمی‌باشد، بلکه آن را بیشتر مرتبط با تنزل‌های اخلاقی ناشی از ویژگی بی بند و بار نخبگان حاکم بر حکومت می‌دانستند. تاریخ داستان‌های مردان بزرگ و وقایع باشکوه را در بر داشت و نبود اولی بر عدم حضور دومی دلالت داشت. اوج قدرت، ثبات و نبوغ صفویه در دوران شاه عباس بوده است. پس از وی، نوعی افول سریع و غیرقابل توصیف به وجود آمد که بیشتر از بی‌شهامتی و بی‌مسئولیتی حاکمان و تعصبات مذهبی روحانیت شیعه نشئت می‌گرفت. این سناریو که در تاریخ نگاری غربی از جوامع آسیایی همواره وجود داشته است، به گفته پدر کروسینسکی در دوره صفویان به اوج خود رسید. پدر کروسینسکی که خود شاهد عینی فروپاشی حکومت صفویان در اوایل قرن هجدهم بود، و توسط سر جان مالکوم که دو کتاب او درباره تاریخ ایران از دیرباز حداقل در دنیای انگلوساکسون بر دیدگاه‌های موجود در مورد ایران و ساکنان آن حاکم بوده است، به عنوان مأمور تاریخ نویس عالی رتبه منصوب گردید. مالکوم و هم عصران وی نه تنها ماهیتی بی‌انتها (ناجنا) در تمایل حکومت‌های آسیایی برای به انحطاط رفتن در نتیجه تجمعات و توطئه درباریان را متصور بودند، اما از آنجایی که غرق در تاریخ کلاسیک و نظامی شده بودند، تصویری آینه وار از تاریخ اروپا از آغاز روم قدرتمند تا اوج شکوه خود در امپراتوری بریتانیا را در ایران مشاهده می‌نمودند. بنابراین نوعی تضاد بین «فضائل خرد» در برابر «رذایل هوس» بزدلی ایرانیان در برابر جسارت و خویشتن داری انگلستان به وجود آمد.

سر جان ملکم، تاریخ ایران از دوران‌های اولیه تا کنون، ۲ جلد (لندن، ۱۸۱۵م.)، ۵۵۲: ۱. میراث این مدل که در دوران مدرن توسط لاکهارت به طور خلاصه بیان شده است، تاکنون از گنجاندن نام حاکمان صفوی در دانشنامه ایرانیکا مردد بوده است، و به صورت شاه عباس اول (۱۵۸۸-۱۶۲۹ / ۱۰۳۸-۹۹۶ ز.) و شاه عباس دوم (۱۶۴۲-۷۷ / ۱۰۵۲ ز.) نشان داده شده است (شاه عباس سوم [۱۷۳۶-۱۷۴۸/۱۷۳۲-۱۱۴۸ - ۱۱۴۵ ز.] نیز دارای مدخلی جدا می‌باشد، اما از نظر حجم و طول متناسب با مدت

زمان کوتاه و بی اهمیت سلطنت وی می‌باشد). شاه عباس اول به عنوان فرمانده ای کلاسیک شناخته می‌شود که در زمان «جنگ» به شکلی یادآور ژولیوس سزار «» بوده که در هنگامه نبرد شجاع و در عین حال خشن و دلسوز، سخت گیر و دل رحم می‌باشد. شاه عباس اول فردی به دور از تعصب، و «» در همه چیز عملگرا «» بوده است. او همچنین در خویشتن داری نسبت به تحمل غیرمسلمانان که یکی دیگر از معیارهای سنتی برای شایستگی حاکمان مسلمان، سلامت دولت‌ها و جوامع آن‌ها می‌باشد، مورد تحسین قرار گرفته است. علیرغم تمایل برای ستایش شاه عباس برای بسیاری از اقدامات سیاسی که در واقع می برخی از آن‌ها توان را در دوره قبل از حکومت وی جستجو نمود، تبدیل دیوان (جمهوری) به سرزمین خاصه (پادشاهی) را به زمان سلطنت وی منتسب می‌دانند.

شاه عباس دوم، پادشاهی که سلطنت وی معمولاً نشان دهنده‌ی وقفه ای کوتاه مدت در روند افولی غیرقابل برگشت در اواخر دوره صفویه می‌باشد، توجه بسیار کمی را به خود جلب نموده است و از بسیاری جهات شبیه به سلطنت پدر پدر بزرگ وی بوده است. اشتیاق این پادشاه به اجرای عدالت «که قدرتمندترین و نیرومندترین حاکم صفوی پس از [...] عباس اول می‌باشد»، به دلیل تسامح مذهبی وی زبانزد بوده است - اما این رفتار وی مردم یهودی کشور را در بر نمی‌گرفت. جای تأسف است که در نوشتن این مدخل از یکی از کامل ترن مطالعات صورت گرفته درباره این دوران؛ یعنی رساله دکتری پل لوفت^۱ استفاده چندانی نشده است.

چندین مدخل به یکی دیگر از ویژگی‌های مطالعات تحقیقی سنتی یعنی تمرکز بر وقایع و نه بر روی فرآیند می‌پردازند. اینگونه به نظر می‌رسد که بیشتر این تمایل وجود دارد تا به تغییرات صورت گرفته در حاکمان و فرمانداران پرداخته شود. تحولات اجتماعی، اگر اصلاً به آن پرداخته شود، بیشتر در قالب عبارات دوگانه و غایت-محور، تضاد بین «اوج» امپراتوری با «افول» آن مطرح شده و بیشتر به مقوله

شاخص تضعیف قزلباش و افزایش همزمان اهمیت نیروهای غلام محدود شده‌اند، و به طرز فزاینده‌ای بر روی سلطنت شاه عباس اول متمرکز شده است. بنابراین در مقاله‌ی ای درباره‌ی شاه عباس دوم که لاکهارت سلطنت او را «تابستان هندی» دوره صفویه نامیده است، هیچ اشاره‌ای به تحولات اجتماعی و سیاسی نشده است. مثالی دیگری برای تمایل به داشتن دیدگاه یک طرفه درباره تغییرات، اشاره به قورچی باشی، یا رئیس واحدهای قزلباش در زمان زمامداری عباسیان می‌باشد. گفته شده است که این مقام در دوران حکومت شاه عباس اول به تدریج اهمیت خود را از دست می‌داد. در حالی که در واقعیت این مقام در اواخر قرن هفدهم در میان مهم‌ترین مناصب حکومتی قرار داشت. به عنوان مثال، در بخشی در مورد **الله وردی خان** (متوفای ۱۰۲۲ ه. ق/ ۱۶۱۳ م.)، **غلام عالی** رتبه گرجی که برای رسیدن به مقام فرمانداری فارس و **قولر آقاسی** (رئیس نگهبانان برده) قیام کرد، از قورچی باشی به عنوان مقام ماقبل سپهسالار (فرمانده کل قوا) نام برده شده است. این موضوع ممکن است تا اوایل قرن هفدهم درست بوده باشد، اما مطمئناً در دوره‌های بعدی صدق نمی‌کند.

بدون تردید این عدم توجه به فرآیندهای اجتماعی و سیاسی به وجود نوعی درک سنتی از ایران در دوره صفویه به عنوان یک جامعه آسایشی و در نتیجه جامعه‌ای ایستا ارتباط تنگاتنگی دارد، اما می‌توان این موضوع را به دلایل تاریخ نویسی بخصوصی نیز نسبت داد. منابع اصلی نوشته شده در مورد دستگاه اداری صفوی عبارت‌اند از: تذکره الملوک و دستور الملوک که دومی به دلیل ترجمه نشدن کمتر شناخته شده و در دسترس می‌باشد. به طور خاص، تذکره الملوک اولین منبع اصلی و بعضاً تنها منبع برای کسانی است که می‌خواهند ماهیت و عملکرد سیستم اداری صفوی را مورد بررسی دهند. هر دوی این کتاب‌ها مرجع آموزش اداری اولین جنبه حکومت صفویان را توصیف می‌کنند، از این رو آن را به صورت سیستمی پیچیده اما ثابت، ایده آل و الگو به جای یک واقعیت زنده به تصویر می‌کشند. شرح دقیق و پیچیده بوروکراسی در دوران صفویان موجب بروز تفسیری متناقض نمایی در مورد نظم حاکمیتی صفویه شده است. به گونه‌ای

که این تمایل را بوجود می‌آورد تا به شکل یک دستگاه اداری حرفه‌ای که از نظر ظاهری تقریباً مدرن می‌باشد نشان داده شود، به گونه‌ای که به شکل عجیبی با گذشته ایللیاتی این سلسله و ساختار قدرت شخصی دولت در تناقض می‌باشد.

مقالات نوشته شده درباره مدیریت اداری برخی از مشکلات فوق را بیان می‌کند. به عنوان مثال به خواننده این موضوع را گوشزد می‌کند که وظایف بسیاری از مقامات در عمل به صورت تعریف نشده باقی مانده است و این افراد غالباً بر بخش‌های مدنی و نظامی یک بوروکراسی تکیه داشته‌اند. با این حال، روایات گزارش شده بجای پرداختن به چگونگی پیدایش صفویان و چگونگی ظهور این سلسله طی فرآیندی که دائماً در حال تحول بود، نحوه زمامداری صفویان را به شکل یک ملت-کشور در نظر گرفته‌اند. معرفی علامان، یا همان سربازان برده (غلام سربازان) به عنوان نیرویی که جهت مقابله و خنثی کردن قدرت قزلباش طراحی شده بود، بیشتر به عنوان سیاستی نوآورانه از جانب شاه عباس و نه پاشادهان قیل از وی در نظر گرفته می‌شود. در اواخر دوران حکومت صفویه و به ویژه پس از سقوط صفهان، نظم اداری کشور به آسانی به هرج و مرج و آشوب تبدیل گردید. در اینجا، بیش از هر جای دیگر، نادیده گرفتن تحقیقات آلمانی که در کنار مطالعات صورت گرفته توسط مینورسکی، جامع‌ترین و نافذترین مطالعات انجام شده در مورد ساختار حکومتی صفویان را شامل می‌گردد، غیرقابل توجیه می‌باشد.

علاوه بر کتاب خود، دیگر نوشته‌های روبورن در مورد تاریخ اداری صفویه اشاره کرد.^۱ همچنین باید از مطالعات هریرت بسسه نام برد شود که نمونه‌هایی از آن عبارت است.^۲

۱- Handbuch der Regierung und Verwaltung Irans unter den Safawiden «» در Staatskanzlei Orientalistik، قسمت ۱، جلد ۶، بخش ۵ (لیدن، ۱۹۶۸م)، صص. ۱۷-۵۰؛ و Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft ۱۲۷ (۱۹۷۷): ۳۱۳-۴۳.

۲- Untersuchungen zum islamischen Kanzleiwesen an turkmenischer und safawidischer Urkunden و Persische Diplomatie im Überblick. Ergebnisse und Probleme. «» ۳۷ (۱۹۶۱): ۲۰۲-۴۵ دارالسلام.